

سوریه، عراق، اوکراین، فلسطین و ...

شدت یابی توحش سرمایه داری



صدای انترناسیونالیستی

E-mail: [contact@internationalistvoice.org](mailto:contact@internationalistvoice.org)

Homepage: [www.internationalistvoice.org](http://www.internationalistvoice.org)

تلگرام: <https://t.me/intvoice>

جنگ نه سیاست و دکترین دولتهای دیکتاتور، خشن و سلطه طلب، بلکه بخشی جدائی ناپذیر از کارکرد و عملکرد نظام طبقاتی و در عصر کنونی پاسخ سرمایه داری در حال انحطاط به معضلات خود می باشد. بحران سرمایه داری یعنی اختلال در روند انباشت سرمایه بخشی از متابولیسم و منطق درونی شیوه تولید سرمایه داری است. سرمایه داری در مقاطعی قادر به حل موقتی بحران خود می شود. اما در عصر انحطاط سرمایه داری، راه حل دراز مدت بحران، چرخه ای از نابودی سرمایه ثابت (کارخانجات، زیربنا و غیره) و سرمایه متغییر (کارگران) و سپس دوران بازسازی است، به عبارت بهتر بحرانهای سرمایه داری در دراز مدت منتهی به جنگ می شوند.

اگر شرایط لازم برای جنگ جهانی مهیا باشد، یعنی از یک سو، وجود دو بلوک اقتصادی، سیاسی، نظامی و از سوی دیگر پرولتاریای شکست خورده در سطح جهانی، جنگ شکل جنگ جهانی به خود میگیرد. ولی اگر دو شرط ذکر شده مهیا نباشد، جنگ، شکل جنگ منطقه ای بخود می گیرد، چیزی که در چند دهه اخیر وجه غالب را تشکیل داده است. اکثر این جنگها نیز تحت لوای صلح طلبی، انسان دوستی و غیره به بشریت تحمیل شده اند، مانند جنگ افغانستان، عراق، سوریه و غیره، که بیانگر این است که اگر چه پرولتاریا در سطح جهانی در یک موضع تدافعی قرار دارد اما در سطح جهانی نیز مغلوب نشده است.

در نظم نوین جهانی، پس از فروپاشی بلوک شرق، گانگسترهای غربی، کشورهای تحت نفوذ روسیه را یکی پس از دیگری به سیطره نفوذ خود درآوردند و پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) را تا مرزهای روسیه گسترش دادند. این امر عملاً منافع امپریالیستی روسیه را با محدودیت هائی مواجه ساخت. در چنین زمینه ای بود که در اوکراین منافع امپریالیستی روسیه و گانگسترهای غربی عملاً به تقابل کشیده شد و هر یک از طرفین از ابزارهای لازم برای تحت فشار قرار دادن دیگری استفاده کردند. در دو سوی این تنش امپریالیستی، این کارگران اوکراین هستند که گوشت دم توپ جناحهای متفاوت بورژوازی شده اند.

در خاور میانه، از سوئی طرح مشترک غربی ها، کشورهای عربی و ترکیه برای نابودی رژیم بشار اسد در سوریه همچون لیبی بخاطر حمایت های بی دریغ ایران - روسیه با شکست مواجه شد. از سوی دیگر بدنبال انتخاب خاتمی، بدیل مناسب سرمایه، برای حداقل سر و سامان دادن به ورشکستگی سرمایه پیرامونی ایران [۱] و بدنبال آن کسب توافقاتی در مسئله هسته ای با کشورهای غربی و آژانس انرژی اتمی، و در روند آن برداشتن بخشی از تحریم ها عملاً موقعیت ایران را بیشتر تثبیت کرد. در چنین شرایطی عملاً بخش عظیمی از منطقه، لبنان، سوریه و عراق به منطقه تحت نفوذ ایران تبدیل شد.

افزایش نفوذ ایران، رقبای امپریالیست آن، یعنی کشورهای عربی حوزه خلیج و در راس آن عربستان سعودی و همچنین ترکیه را دچار نگرانی کرده بود. در کنار آن تبدیل عراق و سوریه به میدان تصویه حسابهای قومی و عشیره ای و سقوط موقعیت «سنی ها» در این کشورها و به تبع آن شرایط جهانی حاصل از سرمایه داری پیرامونی در کشورهای جنگ زده و ویرانه های حاصل از آن، زمینه های نارضایتی را بوجود آورده بود. پیشروی های جنایتکاران «داعش» و سپس اعلام «خلافت اسلامی» این جانوران وحشی از این زاویه قابل توضیح است. بدون کمکهای مادی و ایدئولوژیک عربستان سعودی و قطر و بدون کمکهای لجستیکی ترکیه، جانوران اسلامی متشکل در

«خلافت اسلامی» نیز همانند یکی دیگر از گروه‌های جنایتکار اسلامی یا تحت عنوان هر ایدئولوژی دیگر فقط می‌توانستند بعنوان بخشی از اهرم فشار در سیاست‌های امپریالیستی کشورها علیه همدیگر عرض اندام کنند.

این مسئله که امروز «جانوران هار» تحت عنوان خلافت اسلامی از کنترل ابداع کنندگان‌شان خارج شده اند، کوچکترین تفاوتی در ماهیت مسئله نمی‌کند. حماس را اسرائیل برای کاهش نفوذ سازمان آزادیبخش فلسطین بوجود آورد و رشد داد و سالهاست که از کنترل اسرائیل خارج شده است و به دشمن خونی اسرائیل تبدیل شده است. القاعده و طالبان را آمریکا در راستای منافع امپریالیستی خود تولید و رشد داد و سپس کنترل آنها را از دست داد.

جنگ گانگسترهای ریز و درشت ریشه در گنبدگی نظام سرمایه داری دارد. این گانگسترهای رنگارنگ هر ایدئولوژی که به جنایات خود بپوشانند، همانند نئو نازی در کشورهای غربی یا اسلامی در پاره ای دیگر از کشورها، بیانگر عوارض بحران سرمایه داری هستند. تنها موضعی در قبال این جنگها انقلابی است که نظام سرمایه داری را مسبب تمامی توحش و بربریت در سراسر گیتی ارزیابی کند. طبقه کارگر در سطح جهانی و در فقدان دخالت طبقه کارگر در اوکراین، سوریه، عراق و غیره وظیفه بزرگی بر دوش دارد. به جای گوشت دم توپ شدن در جنگ گانگسترها باید در راستای تحقق انقلاب کمونیستی برای پایان دادن به نکبت سرمایه داری کوشید.

فیروز اکبری

۲۷ شهریور ۱۳۹۳

## توضیحات:

[۱] برای اطلاع بیشتر به جزوه «بدیل بورژوازی برای تداوم انباشت سرمایه» که بمناسبت پیروزی اصلاح طلبان در انتخابات ریاست جمهوری نگاشته شده است، مراجعه شود.